

## اصلاح دادگستری در پرتو تنقیح قوانین و مقررات

(مقاله علمی - پژوهشی)

امیر لطف اله پیرنیاکان\*

مهدی اسماعیلی\*\*

سید رضا احسان پور\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۹

## چکیده

قوانین موضوعه با توجه به نتایج و بازخوردهای حاصله در جامعه و نیز شرایط فرهنگی کشور به بازنگری و اصلاح نیاز دارند تا ضمن ممانعت از تراکم قوانین ناکارآمد، دادگستری را نیز از مواجهه با حجم انبوهی از دعاوی متنوع رهایی بخشیده، بیشترین کارآمدی را برای این نهاد به ارمغان آورند. وجود یک مجلس قانون‌گذاری جامع، متشکل از متخصصین و نخبگان کشور می‌تواند مسیر دستیابی به نتیجه مطلوب را هموار نماید. از دیگر اولویت‌های اصلاحی، لحاظ نمودن سن کمال عقلی و تجربه حقوقی قبلی در استخدام متقاضیان منصب قضاء و اصلاح مقررات گزینش شخصیتی و تصویب قوانین به‌روز و برخاسته از آموزه‌های اسلامی می‌باشد که به نوبه خود می‌تواند موجب جذب شایسته‌ترین افراد دارای صفات بارز اخلاقی و علمی در این مقام و عملکرد بهینه دادگستری شود. در این میان، توجه به این نکته ضروری می‌نماید که قضات فاقد این ویژگی‌ها برای ترمیم وضعیت خود ممکن است از ابزارهای حقوقی نوین، نه به عنوان یک تدبیر قضایی، بلکه در مسیری نادرست، بهره جویند که در چنین حالتی به دلیل اینکه عملکرد قضایی آنان پشتوانه علمی ندارد، لذا مطلوب نیز نخواهد بود و آنچه حاصل می‌شود، فعلی تصنعی و غیر اصیل است که منجر به وهن تصمیمات و آرای قضایی می‌گردد. بنا بر آنچه مطرح شد، این مقاله سعی داشته است با محور قرار دادن قضات به عنوان رکن اصلی و تصمیم‌ساز در دعاوی مطروحه در دادگستری، اهمیت توجه به اصلاح مقررات استخدامی و گزینشی آنان و ضرورت ارتقای کیفیت قانون‌گذاری را مورد بررسی قرار دهد.

## کلیدواژگان:

\* دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی آیت الله املی  
 pirmiakan.amir@yahoo.com  
 \*\* استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)  
 dresmaeli@yahoo.com  
 \*\*\* استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شاهد، تهران  
 Ehssanpour@gmail.com

مجلس قانون‌گذاری تخصصی، گزینش شخصیتی قضات، سن کمال عقلی، تجربه حقوقی،  
شهرت‌طلبی قضات.

## مقدمه

قوه قضائیه از دو جهت رسالتی خطیر بر عهده دارد: اول اینکه براساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مسئولیت اجرای عدالت و پیشگیری از جرم بر عهده‌اش گذاشته شده است. دیگر اینکه می‌بایست ریشه‌ها و علل ایستایی را در خود این نهاد مورد بررسی قرار دهد تا در نهایت، عدالت برخاسته از یک سیستم قضایی سالم، امنیت را برای کل افراد جامعه به ارمغان آورد<sup>۱</sup> و همچنین از بُعد بین‌المللی نیز میزان پایبندی نظام به حکومت قانون را مشخص نماید.<sup>۲</sup> در این میان، تنقیح قوانین می‌تواند اقدامی مؤثر در راستای اصلاح امور جامعه باشد؛ به این معنا که با بررسی قوانین و مقررات باید موارد مبهم و ناسخ و منسوخ را تعیین و سپس اصلاح نمود و یا حتی آنها را کنار گذاشت.

به نظر می‌رسد حصول موفقیت در برنامه‌های اصلاحی قوه قضائیه این مهم را می‌طلبد که در ابتدا هدف از این رویکرد تحولی مشخص گردد. آیا هدف رساندن اشخاص به حقوقشان یا فصل خصومت میان آنان است، یا اینکه در این میان تنبیه بزهکاران و اعمال مجازات نسبت به ایشان، هدف عمده است. پاسخ صحیح و مناسب برای این پرسش بستگی به سیاست‌های حقوقی و کیفری تعیینی از سوی ارکان تصمیم‌ساز نظام دارد که این اصول اساسی را بر طبق شیوه‌های نوین حقوقی و اقتضائات زمانی تعیین نمایند.<sup>۳</sup> از این رو نمی‌توان حقوق کیفری را فارغ از تأثیر عوامل اجتماعی دانست؛<sup>۴</sup> چه بسا این ضرورت وجود داشته باشد که رویکرد قانون‌گذار در تنظیم و تصویب قوانین تغییر یافته، مورد بازنگری قرار گیرد. چنان‌که در اصلاحات قوانین جزایی و کیفری سال ۱۳۹۲ شاهد این تدابیر هستیم و قانون‌گذار رویکرد غیر کیفری را مورد توجه قرار داده است.

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها*، در: *بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری*، مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۱۵.
۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *قوه قضائیه در سنجه حکمرانی خوب*، دیپاچه در: *آماده، غلامحسین*، نقش رئیس قوه قضائیه در فرآیند کیفری ایران، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۰.
۳. پورطباطبائی، هاشم، *سه عامل اصلی در برنامه تحول اساسی در دادگستری ایران*، مجله حقوق امروز، ۱۳۵۲، شماره ۲۸، صص ۱۲۳ و ۱۲۴.
۴. جعفری، مجتبی، *جامعه‌شناسی حقوق کیفری؛ رویکرد انتقادی به حقوق کیفری*، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۳۴۷.

دومین هدف که در مسیر اصلاح دادگستری باید بدان توجه شود، وجود قضات عالم و متخلق به اخلاق است. قوه قضائیه با جذب افراد شاخص و فرهیخته عملاً زمینه را برای تحقق امنیت و حفظ حقوق شهروندان که انتظار اساسی از دستگاه عدالت است، فراهم می‌نماید<sup>۱</sup> تا هر گاه این حقوق از سوی اقویا و متنفذین مورد تهدید واقع گردد، در اعاده آن کوچک‌ترین تأخیری صورت نپذیرد.<sup>۲</sup> بدیهی است که اصلاح دادگستری توسط قضات مستقل قابل اجرا خواهد بود و قضات زمانی دارای استقلال می‌باشند که شرایط علمی و اخلاقی منصب قضاء را داشته و در مسیر انجام وظایف شغلی خود غیر قابل نفوذ باشند.<sup>۳</sup>

وضع قوانین مناسب با اوضاع و شرایط فرهنگی و اجتماعی کشور و توسط متخصصین خبره که تمامی ارزش‌های بنیادین جامعه را مد نظر قرار دهند، می‌تواند به عنوان سومین هدف در جریان توجه به ضرورت اصلاح دادگستری مطرح باشد که مسیر رسیدن به یک دادگستری نوین را هموار می‌نماید.<sup>۴</sup>

در راستای اصلاح عملکرد دادگستری، ابتدا باید ضعف‌ها و کاستی‌های احتمالی مورد بررسی قرار گیرند تا متولیان نهاد قضایی کشور بتوانند اقدام لازم به را به منظور بهبود این ساختار به عمل آورند. گرچه برابر اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوای کشور از یکدیگر تفکیک گردیده‌اند، در عین حال تعامل میان آنها خصوصاً در روند تصویب قوانین و مقررات ضروری به نظر می‌رسد. بدین معنا که قوه مقننه صلاحیت قانون‌گذاری و قوای قضائیه و مجریه به عنوان مراجع صلاحیتدار قانونی، اختیار مقررگذاری<sup>۵</sup> را در حدود وظایف خود دارند. لذا ملاحظه می‌گردد که تمامی ارکان حکومت و همچنین بخش‌های مختلف جامعه از جمله دانشگاه‌ها و مراکز و مجامع علمی و حقوقی کشور و کانون‌های وکلای دادگستری، به نوعی در فرایند قانون‌گذاری سهیم و دخیل بوده، با ایجاد موقعیتی برای به چالش کشیدن مستدل و مستند قوانین و مقررات و تعیین نقاط ضعف و قدرت آنها، زمینه را برای تصویب قوانینی متقن و علمی بر اساس اصل کیفی بودن

۱. نجفی ابرندآبادی، پیشین، صص ۱۰ و ۱۱.

۲. طباطبائی، بهاء‌الدین، در باره اصلاح دادگستری، مجله حقوق امروز، ۱۳۴۲، شماره ۳ و ۴، ص ۱۸۴.

۳. مهدوی، ابراهیم، طرق اصلاح دادگستری، مجله کانون وکلاء، ۱۳۴۳، شماره ۹۲، صص ۵۵ و ۵۴.

۴. حکمت، سعید، لزوم تحول و تکامل در دادگستری، مجله کانون وکلاء، ۱۳۴۷، شماره ۱۰۸، ص ۱۶۶.

۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۷۲، ص ۶۸۰.

قوانین<sup>۱</sup> خصوصاً قوانین کیفری تضمین و فراهم می‌آورند. این مهم از ایجاد تراکم در پرونده‌ها و در نتیجه آن شلوغی دادگستری پیشگیری می‌نماید.

حال پرسش اساسی این است که آیا قوه قضائیه در راستای اصلاح ساختاری خود و رفع کاستی‌های تقنینی موفق بوده است. به نظر می‌رسد گرچه این نهاد اقدامات مفیدی در این راستا انجام داده است، همچنان ضرورت بازنگری در پاره‌ای از موارد وجود دارد. لذا مقاله حاضر ضمن بررسی چگونگی پیاده‌سازی اصول سه‌گانه فوق در ساختار قوه قضائیه، درصدد بیان اولویت‌هایی است که برای دستیابی به یک سیستم قضایی مطلوب باید به آن توجه شود. بر این اساس، محوریت بحث و گرانگه‌گاه مطالب بر قضات، به عنوان مؤلفه‌ای اصلی در فرایند رسیدگی‌های قضایی، استوار است. بدین سبب، پیرامون لزوم اصلاح قوانین در حوزه گزینشی قضات و همچنین ضرورت ارتقای کیفیت قانون‌گذاری به لحاظ تأثیری که بر ورودی دادگستری‌ها و در نتیجه عملکرد قضات خواهد داشت، بررسی و تحلیل به‌عمل خواهد آمد. ذکر این مهم ضروری است که در این پژوهش تأکید نگارنده بیشتر بر ضرورت اعمال اصلاحات در مجموعه قوانین کیفری بوده، زیرا در این حوزه است که ارزش‌هایی چون جان، مال، آزادی و عرض افراد جامعه تحت تأثیر قرار می‌گیرد و وجود قوانین ناهمگون با اصول اساسی جامعه، کرامت انسانی را خدشه‌دار می‌نماید.<sup>۲</sup> ولی در عین حال، ضرورت اعمال اصلاحات تقنینی در حوزه حقوقی نیز مد نظر است.

قضات و تجارب مستقیم ایشان، منبع ارزشمندی از اطلاعات مفید و جامع از ساختار نظام دادگستری محسوب می‌شود و بهره‌برداری مناسب از نظرات ایشان می‌تواند در مسیر اصلاح دادگستری رهگشا باشد. از این رو، پژوهش حاضر با تکیه بر مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با سی و دو نفر از قضات دادگستری و همچنین ده نفر از داوطلبین منصب قضاء که با شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردیدند، انجام پذیرفته، سپس متن مصاحبه‌های ضبط شده، پیاده‌سازی و به روش تحلیل مضمونی مورد بررسی قرار گرفته است. جنسیت همه اشخاص فوق مذکور و محدوده

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها*، پیشین، ص ۱۳.

۲. دلیر، حمید، *بایسته‌های پژوهش در حوزه قانون‌گذاری کیفری*، در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری، مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۴۲.

سنی آنان حدود سی تا هفتاد سال می‌باشد. در خلال مصاحبه، از هر یک، ده سؤال پرسیده شد و بر این اساس کوشش شد مراتب ضعف ساختاری دادگستری به همراه پیشنهادهایی که به منظور رفع این کاستی‌ها توسط آنان ارائه گردیده است، مورد توجه قرار گیرد و بدنه و ساختار مقاله حاضر بر پایه نتایج به دست آمده از این مصاحبه‌ها نظم یابد. از میان مصاحبه‌شوندگان، هفت نفر دارای تحصیلات دکتری، بیست و چهار نفر فوق لیسانس، ده نفر لیسانس و یک نفر حوزوی بودند. در این میان به لحاظ اتقان پژوهش از روش کتابخانه‌ای و تحلیل و توصیف موضوعی نیز بهره گرفته شده است.

### ۱. گزینش و استخدام قضات در سایه تنقیح مقررات

قضات رکن اصلی دادگستری محسوب می‌شوند. از این رو، جذب و استخدام آنان باید بر اساس اصولی مشخص و برنامه‌ای دقیق و علمی صورت پذیرد، تا بر اساس آن قضاتی شایسته، گزینش و جذب این نهاد گردند.<sup>۱</sup> در این راستا ملاحظه می‌گردد که آیین‌نامه‌ای تحت عنوان نحوه جذب، گزینش و کارآموزی داوطلبان تصدی امر قضاء و استخدام قضات که جدیدترین مقرر در این خصوص می‌باشد، در مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۶ به تصویب رئیس وقت قوه قضائیه می‌رسد و در آن ضمن تأکید بر قانون استخدام قضات و شرایط کارآموزی مصوب ۱۳۴۳ و اصلاحیه آن، قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۱۳۶۱ و اصلاحات آن، ماده واحده قانون تشخیص لزوم کارآموزی مصوب ۱۳۶۶، ماده واحده قانون اختیارات و وظایف رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۱، ماده واحده قانون گذراندن مدت خدمت نظام وظیفه فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم قضایی در محاکم قضایی کشور مصوب ۱۳۷۳ و اصلاحیه آن، نهاد قضایی را موظف نموده است که برابر بند ۵ ماده ۱۳، بند ۴ ماده ۱۴ و همچنین ماده ۱۹ این آیین‌نامه، نسبت به گزینش روان‌شناختی داوطلبین بر اساس شیوه‌نامه‌ای که به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد، اقدام نماید. لکن تا زمان نگارش این مقاله چنین مقرره‌ای تصویب نگردیده و تنها معاونت منابع انسانی قوه قضائیه در اعلامیه‌ای به موارد شانزده‌گانه‌ای اشاره داشته است که مانع از استخدام داوطلبین مبتلا به امراض

۱. برابر اصل ۱۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استخدام قضات عادل و شایسته از جمله وظایف رئیس قوه قضائیه می‌باشد.

جسمی و روانی می‌شود. بند ده این اعلامیه، به اختلالات حوزه روان‌پزشکی پرداخته است که با آزمون‌های استاندارد می‌باید مراکز روان‌پزشکی دانشگاهی انجام دهد، مشخص می‌گردد.<sup>۱</sup> همچنین شورای آموزشی معاونت فوق‌الذکر ملاک‌های ده‌گانه‌ای را مانند تناسب ظاهر، مهارت‌های ارتباطی، ثبات هیجانی، صداقت و درستکاری و اعتماد به نفس تهیه نموده است تا هیئت‌های روانپزشکی که وظیفه تشخیص صلاحیت روانی داوطلبین برای تصدی منصب قضاء را بر عهده دارند، مطابق آن عمل نمایند. در راستای تبیین اصولی اساسی که شایسته است در فرایند جذب قضات مورد توجه قرار گیرند، مطالب این مبحث را در دو عنوان به بحث می‌نشینیم: ابتدا به نقش سن کمال عقلی و تجربه حقوقی پیشین داوطلبین منصب قضاء و اثربخشی و کارایی این دو عامل در روند فعالیت حرفه‌ای افرادی که به عنوان قاضی وارد سیستم قضایی می‌شوند، می‌پردازیم و در عنوان دوم در خصوص گزینش شخصیتی داوطلبین منصب قضاء و کاستی‌های قابل ملاحظه در این فرایند بررسی به عمل می‌آوریم.

### ۱.۱. توجه به نقش سن کمال عقلی و تجربه حقوقی پیشین در استخدام قضات

دو اصل مهم در فرایند جذب و استخدام قضات وجود دارد که در قوانین مربوطه بدان پرداخته نشده است؛ یکی از این اصول دارا بودن سن کمال عقلی و دیگری داشتن تجربه حقوقی قبلی شخص داوطلب برای تصدی این منصب می‌باشد. توجه به این دو خصیصه مهم و اساسی می‌تواند بستری فراهم آورد که فرد متصف به این دو صفت به لحاظ منطقی و عقلی مرتکب تخلف و جرم نگردد یا احتمال وقوع آن به پایین‌ترین حد ممکن تقلیل یابد. حضرت علی (ع) در خصوص نقش تجربه می‌فرماید: اندیشه و نظر هر فرد به اندازه تجربه اوست.<sup>۲</sup> آن کس که تجربه‌ها را حفظ کند و به موقع از آنها بهره گیرد، کارهایش به نتیجه می‌رسد.<sup>۳</sup>

قوه قضائیه در سال‌های اخیر اقدام به جذب، گزینش و استخدام قاضی به صورت اختصاصی و با انجام مصاحبه علمی نموده است. از جمله ملاک‌های مدنظر در این نوع گزینش سابقه وکالت پنج ساله داوطلبان می‌باشد که گرچه کافی به نظر نمی‌رسد، در نوع خود می‌تواند اقدامی مثبت

۱. رک: پورتال معاونت منابع انسانی قوه قضائیه، قابل دسترسی در: <https://qazahrn.eadl.ir>

۲. آمدی التیمی، عبدالواحد بن محمد، *عُمر الحکم و دُرر الکلم*، قم: دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰، ص ۳۸۸.

۳. همان، ص ۶۶۶.

تلقى گردد.<sup>۱</sup> با بررسی قوانین قدیمی ایران ملاحظه می‌گردد که در آن نسبت به حداقل سن قضات برای تصدی منصب قضاوت توجه گردیده است. بدین توضیح که در ماده ۱۴۷ قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام صلحیه مصوب ۱۲۹۰/۴/۲۶ شمسی، به شرایطی که قضات باید دارا باشند و از جمله به سن ایشان، اشاره نموده است. بر این اساس، برای مستنطق درجه دو حداقل سن بیست و پنج سال، برای مدعی‌العموم بدایت حداقل سی سال، برای رؤسای محاکم بدوی و مدعی‌العموم استیناف حداقل سی و پنج سال و برای رؤسای محاکم استیناف و مدعی‌العموم تمیز و رؤسای دیوان تمیز حداقل سن چهل سال تعیین گردیده است. ضمانت اجرای آن نیز ماده ۱۵۸ قانون مزبور است که به معزول گردیدن اشخاص فوق از سمت قضایی مربوطه اشاره دارد.

عدد چهل و اربعین در قرآن کریم و فرهنگ اسلامی به صور مختلف مورد توجه قرار گرفته است. چنان که در قرآن کریم در آیه ۱۵ سوره احقاف بعد از اینکه انسان را به احترام نسبت به والدین سفارش و توصیه می‌نماید، تقاضای انسانی چهل ساله را مطرح می‌نماید که خطاب به پروردگارش می‌گوید: «خدایا توفیق به من عنایت کن تا شکر نعمت‌هایی که به من و والدین من بخشیدی، به جای آورم و اعمال صالحی که سبب خوشنودی تو باشد انجام دهم». به نظر می‌رسد در اینجا چهل سالگی نماد سن پختگی و کمال انسان باشد. او در این سن نه خامی دوران جوانی را دارد و نه سستی دوران کهولت و پیری را و نیز اشاره به مرحله بلوغ فکری و عقلی دارد. این اصطلاح نیز میان مردم رواج دارد که انسان‌ها غالباً در این سن به کمال عقل می‌رسند. لذا ملاحظه می‌شود که غالب انبیا در چهل سالگی به نبوت مبعوث شده‌اند.<sup>۲</sup>

همچنین حضرت علی (ع) خطاب به مالک اشتر نخعی مجموعه صفاتی را برای قاضی ذکر می‌نماید که از جمله آنها به پختگی و شرح صدر در فردی که قرار است بر منصب قضاء تکیه بزند، اشاره می‌کنند. بدین معنا که یک قاضی باید همواره صبور بوده، طمع را در درون خویش

۱. بند ۱۳ ماده ۷ آیین نامه نحوه جذب، گزینش و کارآموزی داوطلبان تصدی امر قضاء و استخدام قضات مصوب ۱۳۹۲/۲/۲۶.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، جلد ۲۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ص ۳۲۸.



سرکوب نماید و اهل احتیاط باشد.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد تمام این صفات در شخصی قابل تصور است که به یک مرحله سنی خاص و بلوغ عقلی و فکری و درجه‌ای از بینش و تقوا رسیده باشد که آن هم با گذشت زمان و کسب تجربه و ممارست در طول سال‌ها زندگی تحصیل خواهد گردید. از آنجایی که قضاوت در ایران شغل محسوب می‌شود، لذا شخص نامزد تصدی آن، باید شروط عام و کلی کارمندی از جمله شرایط سنی تعریف شده را که در قوانین استخدامی لحاظ شده‌اند، دارا باشد.<sup>۲</sup> در صورتی که پسندیده این بود که منصب قضاء نوعی پاداش به اشخاص در قبال سال‌ها فعالیت در امور حقوقی و یا وکالت و کسب مدارج علمی به همراه شایستگی‌های اخلاقی، تعریف و قلمداد می‌گردید. در چنین حالتی این منصب قضاء خواهد بود که به دنبال شخص مناسب خود می‌گردد و نه اینکه شخص به دنبال این منصب باشد.

### ۱،۲. مراتب گزینش شخصیتی داوطلبین منصب قضاء

از مهم‌ترین شرایط لازمه برای تصدی منصب قضاء احراز صلاحیت‌های علمی و اخلاقی داوطلبین است. بدین معنا که چنین شخصی باید علاوه بر دارا بودن صفات اخلاقی برجسته، از نظر علمی نیز متبحر و صاحب نظر بوده، قدرت استنباط و استدلال موضوعات مختلف حقوقی را دارا باشد. به نظر می‌رسد هنگامی که در جریان گزینش‌ها این دو مؤلفه مورد توجه قرار نگیرند و فردی که فاقد این صفات مهم است، جذب قوه قضائیه گردد، یکی از اثرات وضعی چنین استخدامی این می‌تواند باشد که قاضی به ناچار متوسل به ابزارهایی می‌شود تا این نقیصه‌ها را جبران نماید. خودنمایی می‌تواند یکی از این شیوه‌ها باشد که وی برای جلب نظر دیگران و ارتقای هویت خود از آن بهره می‌جوید تا بدین وسیله مورد بازشناسی قرار گیرد؛ زیرا افراد جامعه در صحنه زندگی اجتماعی به واکنش دیگران نسبت به خود نیاز دارند.<sup>۳</sup> بدیهی است، چنانچه این حس طبیعی انسانی، به شیوه‌ای نادرست به ظهور برسد، می‌تواند تأثیر منفی بر جای بگذارد.

۱. *نهج البلاغه حضرت علی (ع)*، ترجمه محمد دشتی، نامه ۵۳، تهران: انتشارات پیام عدالت، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۴۱۱.

۲. ماده ۱۳ آیین‌نامه نحوه جذب، گزینش و کارآموزی داوطلبان متصدی امر قضاء و استخدام قضات مصوب ۱۳۹۲/۲/۲۶ شرایط عمومی داوطلبان مذکور را در ده بند احصاء نموده که در بند ۱۰ آن آمده است: داشتن حداقل ۲۲ سال و حداکثر ۳۶ سال تمام در روز ثبت نام.

۳. مجتهدی، کریم، *درباره هگل و فلسفه او*، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۹، ص ۶۲.

بر این اساس، چنین فردی در مقام قضاوت، بدون توجه به شرایط فرهنگی اشخاص، از هر ابزار و وسیله‌ای استفاده می‌کند تا با شهرت طلبی، آنچه را که فاقد آن است، به نوعی بازستاند. در این میان، این واقعیت را باید مد نظر قرار داد که برخی از قوانین کیفری به گونه‌ای مورد نگارش قرار می‌گیرند که می‌توانند مورد برداشت‌های مختلف و متعدد قضات واقع گردند یا اینکه قضات نیز بعضاً قوانین کیفری را طبق اندیشه و خواست خود تفسیر و اعمال می‌نمایند.<sup>۱</sup> لذا تأسیسات حقوقی جدید به کمک این افراد آمده و نه به عنوان یک تدبیر قضایی، بلکه برای نمایش و کسب شهرت استفاده می‌گردند و به نوعی استفاده ناصواب از آنها به عمل می‌آید. فی‌المثل متهمی که فاقد سواد است، ملزم به خواندن و خلاصه نمودن یک کتاب عقیدتی می‌شود یا دیگری به لحاظ استفاده از مجازات جایگزین حبس، ملزم به شرکت در مراسم خاص مذهبی می‌گردد، در حالی که مراحل کمال نفسانی انسان و ارزش عبادت‌وی به اختیاری بودن این امور است.<sup>۲</sup> همچنین در حکمی دیگر قاضی مبادرت به تعیین مجازات تکمیلی مطالعه اجباری آثار رهبر انقلاب می‌نماید و دفتر حفظ و نشر آثار رهبری به ناچار مجبور به ورود و موضع‌گیری در این خصوص می‌شود و این عمل را مغایر با اثر بخشی اصول فرهنگی دانسته، تعیین مجازات بر این مبنا را بدسلیقگی معرفی می‌نماید.<sup>۳</sup>

بنا بر این یکی از مصادیق ضعف ساختاری قوه قضائیه ضعف در فرایند گزینش داوطلبین منصب قضاء می‌باشد. آفت مهم گزینش‌ها اعمال سلاقی شخصی افراد گزینش‌گر در روند فعالیت حرفه‌ای خود است. بدین معنا که در اثر عدم انجام صحیح امر گزینش یا اشخاص نالایق جذب نهاد قضایی می‌شوند یا این احتمال وجود دارد که اشخاص سالم امکان حضور برایشان فراهم نگردد. در روند جذب داوطلبین منصب قضاء، معاونت منابع انسانی قوه قضائیه از سال ۱۳۹۵ مرحله‌ای جدید تحت عنوان گزینش شخصیتی به سلسله مراتب گزینشی اضافه نموده است و هدف آن سنجش مراتب شخصیتی افراد است تا بدین وسیله شایستگی‌های اخلاقی ایشان برای این منصب احراز گردد. گرچه ضرورت وجود این ساختار در آیین‌نامه مربوطه مورد توجه قرار گرفته

۱. جعفری، مجتبی، پیشین، صص ۱۴ و ۳۴۵.

۲. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری، ۱۳۸۳، ص ۲۳۸.

۳. خبرگزاری ایران، مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۱، قابل دسترسی در: [www.ion.ir/news/455826](http://www.ion.ir/news/455826)

است،<sup>۱</sup> عملاً مصوبه‌ای مبنی بر چگونگی اعمال مؤلفه‌های تعیین شده پیش‌بینی نگردیده و کلیه مراحل تشخیصی بر طبق سلايق افراد گزينشگر انجام می‌پذیرد. بدیهی است، بدون داشتن الگو و شیوه‌نامه‌ای مناسب، نظر و برداشت هر فرد از تعاریفی چون تناسب ظاهر، ثبات هیجانی و صداقت، می‌تواند متفاوت از دیگری باشد.

برای بررسی این مهم که در جای خود بسیار امری دشوار می‌نماید، از وجود روانشناسان متخصص در قالب هیئت‌های روان‌پزشکی استفاده می‌گردد. وجود این شیوه در کل، فرایند لازمی است که سال‌ها جای آن در روند گزينش و استخدام قضات خالی بوده، ولی نکته حائز اهمیت این است که این آزمون براساس چه اصولی انجام می‌پذیرد. آیا ملاک قوانین فقهی و آموزه‌های قرآنی و احادیث معتبر است. آیا روانشناسان خود در این خصوص آموزش‌های دینی و اعتقادی دیده‌اند. یا اینکه بررسی‌های عمومی روان‌شناسی تنها براساس مؤلفه‌های جهانی صورت گرفته که قطعاً جهت‌گیری‌های دینی و مذهبی در آن جایی نخواهد داشت<sup>۲</sup> و یا ترکیبی از هر دو نظر.

از دیدگاه فقه شیعه، هر انسانی دارای یک شاکله، بافت و ساختار شخصیتی خاص خود است که بنا به فرموده قرآن کریم این خلُق و خوی در اثر وراثت و همچنین بر اثر تربیت و فرهنگ اجتماعی برای انسان حادث می‌شود.<sup>۳</sup> در این میان، آنچه که در علم روانشناسی تحت عنوان شخصیت<sup>۴</sup> از آن یاد می‌گردد، برگرفته از کلمه *persona* است که ریشه لاتین دارد و به معنای ماسک و نقاب است.<sup>۵</sup> بدین لحاظ که بازیگران تئاتر در یونان قدیم هنگام نمایش ماسک‌هایی را بنا بر شخصیتی که هنگام نمایش قرار بود نقش او را بازی نمایند، بر چهره خود می‌زدند.<sup>۶</sup> این واژه

۱. آیین‌نامه نحوه جذب، گزينش و کارآموزی داوطلبان تصدی امر قضاء و استخدام قضات مصوب ۱۳۹۲/۲/۲۶.  
 ۲. اصل ۱۰ از اصول اساسی درباره استقلال قوه قضائیه مصوب هفتمین کنگره سازمان ملل متحد درباره پیشگیری از جرم و رفتار با متخلفان ۱۹۸۵ میلادی: در انتخاب و پذیرش قضات هیچگونه تبعیضی براساس رنگ، نژاد، جنس، مذهب، عقیده سیاسی یا دیگر عقاید، ریشه‌های ملی یا اجتماعی، اموال، تولد یا موقعیت نباید صورت گیرد. مگر اینکه برای تصدی این شغل دارا بودن تابعیت کشور مربوطه شرط و ملاک باشد که این امر را نایستی تبعیض‌آمیز تلقی نمود.

۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، جلد ۱، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵، ص ۳۳۱.

4. Personality

5. oxford learners Dictionaries

۶. ارتفاع، مریم، *روانشناسی شخصیت: تعریف شخصیت از دیدگاه روانشناسی*، اداره کل زندان‌ها و اقدامات تربیتی استان البرز، ۱۳۹۸، قابل دسترسی در:

/مقاله-تعریف-شخصیت-از-دیدگاه-روانشناسی/ alborzprisons.ir/

در اصطلاح نیز یعنی جنبه‌ای از شخصیت یک فرد که به دیگران ارائه، یا توسط دیگران برداشت می‌شود.<sup>۱</sup>

آنچه علم روانشناسی از شخصیت مطرح می‌نماید، عبارت است از یک ساختار و شکلی که انسان با آن در انظار ظاهر می‌شود و ممکن است مطابق با واقعیت درونی فرد باشد و یا اینکه چنین نباشد و این ظاهر توسط جامعه و عوامل اجتماعی بر او تحمیل گردیده و او به ناچار مبتلا به صفت ناپسند ریاکاری و تظاهر شده باشد. کشف این دوگانگی و پارادوکس بسیار دشوار می‌نماید؛ زیرا اولاً بنا به آموزه‌های فقهی و اسلامی، یک مسلمان باید همواره حقیقت را بگوید، حتی اگر علیه خود او یا نزدیکانش باشد.<sup>۲</sup> از طرف دیگر، یکی از تأکیدات مهم در روایات و سنت معصومین (علیهم السلام) پنهان کاری در برخی امور مانند موارد علیه عفت و اخلاق است که فلسفه آن حفظ حرمت جامعه می‌باشد. داستان اقرار «ماعز بن مالک» در محضر رسول اکرم (ص) در ارتباط با انجام زنا و عدم توجه حضرت به ایشان و هدایت او به عدم اقرار، به روشنی این موضوع را بیان می‌کند.<sup>۳</sup> بنابراین، تشخیص صداقت افراد در پاسخ به سؤالاتی که جنبه کاملاً شخصی دارد، امری چالش‌برانگیز می‌نماید.

با عنایت به موارد معنونه باید دید که مصاحبه و آزمون سنجش شخصیتی متقاضیان منصب قضاء چگونه می‌تواند تعیین‌کننده شخصیت مناسب و یا غیر مناسب افراد باشد. نگارنده مقاله طی گفتگو با ده تن از داوطلبین مربوطه که در میان آنان دو نفر دارای مدرک دکتری حقوق نیز بودند و در آزمون علمی و مصاحبه مربوطه حائز نمره قبولی گردیدند، ولی در مرحله مصاحبه شخصیتی مردود اعلام شدند، از آنان در خصوص نحوه سؤالات (اعم از کتبی و شفاهی) آزمون مزبور کسب اطلاع نمود. این افراد اظهار داشتند که سؤالات به گونه‌ای بود که انسان احساس می‌گیرد نسبت به آن داشت. به عنوان نمونه سؤالی در خصوص خاطرات دوره کودکی پرسیده شد و اینکه در یک محدوده سنی خاص چه خاطراتی را به یاد دارید. اگر عنوان می‌شد چیزی به یاد ندارم، مصاحبه‌کننده با نوع رفتار این مطلب را می‌رساند که فرد پنهان کاری می‌کند.

۱. oxford learners dictionaries

۲. سوره نساء، آیه ۱۳۵.

۳. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*، جلد ۳، بیروت: لبنان، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۰، ص ۹۲.

در این ارتباط دو نفر از مسئولین و تصمیم‌گیرندگان حوزه‌گزینش شخصیتی قضات اظهار داشتند<sup>۱</sup> که در این نوع گزینش و مصاحبه شخصیتی از اساتید برجسته علم روانشناسی از دانشگاه‌های معتبر کشور استفاده می‌شود. در این فرایند گزینشی از مباحث سه‌گانه مطرح در علم روانشناسی که به ترتیب مبانی علم روان‌شناسی، تشخیص اختلالات روانشناختی و سپس درمان بیماری است، تنها تأکید بر مبانی تشخیصی می‌باشد. این تجربیات حاصل مطالعات گسترده محققین آمریکایی و اروپایی است که سال‌ها در این زمینه تجربه اندوخته‌اند. البته ایشان مؤکداً بیان داشتند که این مبانی بومی‌سازی گردیده و منطبق با آموزه‌های فقهی و اسلامی خصوصاً نامه حضرت امیر (ع) خطاب به مالک اشتر نخعی بوده که در بردارنده اصول اساسی روان‌شناختی است و براساس آن اساتید مبادرت به شناسایی اختلالات احتمالی داوطلبین و تشخیص موارد بیماری‌های روانی پنهان آنان می‌نمایند تا اشخاص فاقد صلاحیت مشخص گردند.

مشارالیهما در ادامه توضیح دادند که در این مسیر با طرح سؤالات چالشی مانند اینکه چگونه غریزه جنسی خودشان را تحت کنترل قرار می‌دهند، مراتب آستانه صبر و تحمل، حرص و طمع و نفوذپذیری متقاضیان مورد ارزیابی و تشخیص قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد باید در این گونه سؤالات حدّ یقف آن مشخص گردد تا هم به منزله ورود به محدوده حقوق شخصی افراد و نقض آن تعبیر نگردد و همچنین این نوع سؤالات خود موجب ترویج مفسده نباشد. آنچنان که حضرت امام (ره) دقت در این قبیل موارد تأکید کرده و براساس فرمانی در مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۱۵ خطاب به ستاد پیگیری تخلفات قضایی و اداری فرمودند که در گزینش افراد، طرح سؤالاتی که موجب وهن اسلام و حتی ترویج انحراف می‌باشد، جایز نیست و موجب مَسُوّه نمودن چهره نورانی اسلام می‌گردد.<sup>۲</sup>

طبق آنچه مطرح شد، می‌توان گفت مقرره‌هایی که از طرف نهاد قضایی برای عملکرد بهینه دادگستری تهیه و تنظیم می‌شود، باید از نظر کیفی از چنان صلابت و وضوح برخوردار باشد تا به دور از اعمال نظرات و برداشت‌های شخصی افراد از قوانین و مقررات، گزینش داوطلبین تنها با

۱. لازم به ذکر است، مسئولین مربوطه هر دو دارای پایه قضایی بودند، یک نفر تحصیلات حوزوی و دیگری دکترای حقوق داشت.

۲. رک: پرتال امام خمینی، حکم انحلال هیئت‌های گزینش توسط امام خمینی، قابل دسترسی در: www.imam-khomeini.ir

تکیه بر اصول شایسته‌سالاری، مؤلفه‌های علمی و اخلاقی و استانداردهای اسلامی و بین‌المللی ترسیم گردد. در چنین صورتی این انتظار وجود خواهد داشت که این قضات براساس عدالت و انصاف دادگستری نمایند. حاصل این عدل‌گستری در جامعه، به وجود آمدن حس اعتماد مردم خواهد بود که بالاترین سرمایه برای یک نظام محسوب می‌شود.

## ۲. ارتقای کیفیت قانون‌گذاری و تأثیر آن بر دادگستری و عملکرد قضات

قانون‌گذاری مناسب و علمی تأثیری عمیق بر ارتقای شئونات هر کشوری می‌گذارد؛ زیرا چگونگی تأمین و حمایت از آزادی‌های مدنی جوامع با بررسی مجموعه قوانین آیین دادرسی آن، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بدین معنا که با مراجعه به مجموعه قوانین آیین دادرسی کیفری، به عنوان حضور و ظهور از قانون‌گذاری کیفی، پابندی متولیان حکومت به اصول و ارزش‌های اساسی حاکم بر آن جامعه مشخص می‌گردد.<sup>۱</sup> مقررات این قانون بر پایه انصاف و اصل فاخر برائت استوار است؛ لذا می‌توان آن را منشور بزرگ ناکردگان بزه<sup>۲</sup> و تأییدی بر احترام نسبت به کرامت انسانی محسوب نمود. همچنین وجود مجلسی کیفی که نمایندگان آن دارای تجربه و تخصص لازم در امور حقوقی و تقنینی باشند، موجب می‌گردد که خروجی آن همواره به دور از شتابزدگی باشد. بر این اساس، برای بررسی تأثیر قانون‌گذاری خوب بر ارتقای دادگستری که می‌تواند جلوه‌ای بارز از منزلت هر کشوری باشد، این مبحث را در دو عنوان مورد تدقیق قرار می‌دهیم. ابتدا به وجود برخی قوانین که به نوعی با نیازهای کنونی جامعه منطبق نبوده و کارآمدی و اثربخشی مورد نظر را از دست داده‌اند<sup>۳</sup> و در نتیجه موجب تشدید مراجعات و شلوغی دادگستری می‌شوند، اشاره می‌گردد.

۱. آشوری، محمد، **قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا در بوته آزمایش**، ژورنال حقوقی، سایت قوانین، معاونت آموزش دادگستری استان تهران، ۱۳۷۴، قابل دسترسی در:

<http://www.ghavanin.ir/PaperDetail.asp?id=220>

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **گفتمان سیاست جنائی قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۳**، در: الفت، نعمت اله (به کوشش)، حج اندیشه (هم افزایی فقه و حقوق در تحقق عدالت و تعالی انسانی)، مجموعه مقالات یادنامه علمی مهاجر الی الله استاد شهید دکتر حاج ناصر قربان نیا، قم: انتشارات دانشگاه مفید، چاپ دوم، ۱۳۹۶، ص ۶۰۵.

۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها**، پیشین، ص ۱۴.

سپس در عنوان بعدی ضرورت وجود یک مجلس قانون‌گذاری که متشکل از متخصصین زبده باشد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۲.۱. قوانین ناکارآمد و تراکم پرونده‌ها

لازمه یک دادرسی عادلانه این است که همواره قوانینی مورد تصویب واقع شوند که از نظر کیفی دارای اتقان کافی باشند. بدین معنا که قوانین به صورت صریح، منجز، در دسترس و قابل فهم برای همگان باشد تا بتواند حقوق فردی متهمان و بزه‌دیدگان را در مقابل یکدیگر و نیز در برابر خطای احتمالی ضابطین و قضات حفظ و تضمین نماید.<sup>۱</sup> وجود قوانین ناهمگون با مبانی علمی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه، از اعتبار قانون‌گذاری می‌کاهد.<sup>۲</sup>

در تهیه لوایح قضایی، این سیاست باید از سوی اندیشمندان قوه قضائیه لحاظ گردد که با پیش‌بینی و تدوین مقرراتی نوین، ضمن گسترش فرهنگ صلح و سازش، نهادهای شبه قضایی و اداری را نیز مورد توجه قرار دهند تا از ارجاع بسیاری از دعاوی و شکایات مربوط به تغییر سن افراد، تخلفات بهداشتی و راهنمایی و رانندگی و بسیاری دیگر از این نوع به دادگستری و در نتیجه شلوغی بیش از حد آن جلوگیری شود. این رویه را خصوصاً در آموزه‌های جدید حقوق کیفری مبنی بر محدود نمودن دامنه حقوق جزا و عقب‌نشینی از سیاست کیفری به سمت و سوی کیفرزدایی از مجموعه قوانین می‌توان مشاهده نمود.<sup>۳</sup> در این میان، همچنین می‌توان از فناوری‌های نوین حقوقی در موضوعاتی چون مواعد و مهلت‌های تعیین شده در قانون برای ابلاغ و اعتراض به آرای قضایی بهره جست. بدین معنا که با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین الکترونیکی در حقوق، این زمان‌ها را به نوعی کوتاه نمود و بدان سرعت بخشید، بدون آنکه به حقوق اساسی اشخاص دخیل در پرونده خللی وارد آید<sup>۴</sup> تا اطالۀ دادرسی موجب اتلاف وقت و در نتیجه نارضایتی شهروندان نگردد.

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *گفتمان سیاست جنائی قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲*، پیشین، ص ۶۱۲.
۲. نوربها، رضا، *سیاست جنایی سرگردان*، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۲، ۱۳۷۸، شماره ۲۵ و ۲۶، ص ۱۲۴.
۳. بابائی، محمدعلی و میثم غلامی، *مهمترین جلوه‌های کیفرزدایی در قانون جدید مجازات اسلامی*، پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی، سال اول، ۱۳۹۱، شماره ۳، ص ۶۱.
۴. خزایی، منوچهر، *بررسی نظری و عملی تسریع آیین دادرسی کیفری*، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶، شماره ۱۹ و ۲۰، ص ۱۴۳.

اطالۀ دادرسی علاوه بر آنچه که در مانحن‌فیه و در ارتباط با لزوم اجرایی گردیدن دادرسی الکترونیک بدان اشاره شد، از دو جهت دیگر نیز قابل بررسی است؛ اول اینکه می‌تواند ناشی از عدم توانمندی قاضی به لحاظ علمی باشد<sup>۱</sup> که این جنبه مربوط به وظایف دادگستری است. لذا آنچنان که در مبحث قبل گذشت، ضرورت سختگیری و دقت در فرایند گزینش‌ها و همچنین تداوم آموزش‌های لازم پس از انتصاب به مقام قضاء، می‌تواند این کاستی را از ساختار دادگستری رفع نماید. دوم اینکه اطالۀ دادرسی می‌تواند ثمره عدم رعایت اصل کیفی بودن قوانین باشد<sup>۲</sup> که این جهت مربوط به قوه مقننه است. مثال بارز این نقصان را می‌توان در ماده ۴۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ملاحظه نمود. در این ماده قانونی تکلیفی برای محاکم تجدیدنظر در خصوص تعیین وقت رسیدگی تعریف گردیده است که علی‌رغم اصلاحیه‌ای که در سال ۱۳۹۴ در این قانون حادث گردید، در عمل اوقات رسیدگی در این محاکم همچنان طولانی بود. این کاستی با استجازه‌ای که از مقام رهبری به عمل آمد، اینچنین مرتفع گردید که با تعلیق بند (ث) ماده مزبور، جز در مواردی که قضات ضرورت حضور اصحاب پرونده را تشخیص دهند، تکلیفی در تعیین وقت رسیدگی نخواهند داشت.<sup>۳</sup>

بدین ترتیب، وجود قوانین ناکارآمد سبب گسیل پرونده‌های بسیار با عناوینی مختلف به سوی دادگستری می‌گردد و در این میان قاضی ناچار به رسیدگی آنهاست، حتی اگر در توانش نباشد. لذا او باید پاسخگوی بی‌تدبیری در نظام تقنینی کشور از حیث تورم جرایم و جرم‌انگاری بی‌شمار و با وجود قوانین حقوقی ناکارآمد باشد. بدین ترتیب، هنگامی که قاضی با انبوهی از پرونده‌ها مواجه می‌شود، حتی اگر دارای سابقه و تجربه کافی نیز باشد، باز نمی‌توان انتظار داشت رسیدگی او بدون نقص و اشتباه انجام پذیرد. از طرف دیگر، به دلیل نداشتن زمان کافی برای استماع سخنان طرفین

۱. یکی از مصادیق ماده ۱۸ قانون نظارت بر رفتار قضات که مجازات انتظامی درجه ۲ تا ۵ را دارد، اطالۀ دادرسی توسط قاضی است.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها**، پیشین، ص ۱۳.

۳. در مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۳ رئیس کل وقت دادگستری تهران طی نامه‌ای به شماره ۱۰/۲۵۳۲ خطاب به سرپرست وقت دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران اعلام می‌نماید که حسب استجازه رئیس قوه قضائیه از مقام معظم رهبری، معظم له با پیشنهاد حذف موقت تشریفات ماده ۴۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری تا زمان بازنگری و اصلاح قانون در مجلس موافقت فرمودند.



پرونده و نیز انجام تحقیقات کامل پیرامون موضوع شکایت، قاضی مجبور می‌شود بخشی از امور قضایی را به ضابطین محول و حکم صادره را مطابق گزارش تنظیمی آنان انشا نماید. در اینجا اصطلاحاً می‌توان گفت که قاضی پرونده را نظارت می‌کند نه قضاوت. نتیجه این نابسامانی قربانی شدن عدالت است. از این رو به نظر می‌رسد در حال حاضر کشور نیاز به یک قانون‌زدایی اساسی دارد تا وجود قوانین متروک و ناکارآمد موجب اختلال در زندگی مردم و امور جامعه نگردد.

## ۲.۲. مجلس قانون‌گذاری تخصصی و قوانین حوزه دادگستری

آنچه که در حال حاضر در نظام قانون‌گذاری ما نمود زیادی دارد، نبود یک مجلس تخصصی است. پراکنده‌نویسی و ابهام در قوانین یکی از جلوه‌های مهم ضعف در کیفیت قانون‌گذاری است که هم در قوانین کلی کشور نمود دارد و هم قوانین حوزه دادگستری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدین معنا که به لحاظ سنتی بودن نظام قانون‌گذاری و قانون‌نویسی در ایران، بعضاً شاهد قوانین مبهم و پراکنده در نظام قضایی و حقوقی هستیم؛ در صورتی که در نظامات حقوقی پیشرفته، قانون‌گذاران قوانینی جامع، شفاف و یکپارچه به تصویب می‌رسانند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک سند بالادستی و قانون مادر، اصلی که تأکید بر لزوم تصویب قوانین به گونه‌ای واضح که دارای هیچ نکته ابهام‌آمیزی نباشد، وجود ندارد. همچنین شورای نگهبان قانون اساسی نیز تکلیفی مبنی بر تذکر و ایراد در مواقعی که قانونی به صورت مبهم وضع می‌گردد، ندارد. بر این اساس، ملاحظه می‌گردد قانون‌گذار به سادگی و بدون هیچ نظارتی از این حیث، هر قانون مبهم و مغلقی را مورد تصویب قرار می‌دهد، بدون اینکه مسئولیتی از این نظر متوجه او باشد؛ زیرا اصل عدم ابهام در قوانین و مقررات مورد تضمین و حمایت سند ملی کشور واقع نگردیده است.

از حیث پراکنده‌نویسی نیز بعضاً ملاحظه می‌گردد قانونی در یک مجموعه غیرمرتبط که هیچ شباهت و سختیتی با آن ندارد، مورد تصویب قرار می‌گیرد. فلسفه این شیوه نگارش قانون، نه تنها برای مردم جامعه، بلکه برای حقوقدانان نیز قابل فهم و ادراک نمی‌باشد. از جمله این قوانین می‌توان به آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت اشاره نمود که پس از سال‌ها اجرا، در سال ۱۳۷۹ در آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و در یکی از مواد انتهایی

آن مورد تصویب قرار می‌گیرد، در صورتی که این نهاد تنها از حیث پرداخت حقوق و مزایای قضات و کارکنانش تابع مقررات قوه قضائیه است.<sup>۱</sup>

وجود قوانین در هر کشور، طریقی است برای مرتفع نمودن موانعی که در مسیر تحکیم پیوستگی‌ها و ارتباطات اجتماعی میان اقشار جامعه با یکدیگر و با حکومت وجود دارد. لذا یک قانون مبهم، پیچیده و پراکنده سبب سردرگمی مجریان آن می‌شود؛ چه آنان که می‌بایست قانون را اجرا و چه کسانی که باید از قانون تبعیت و پیروی نمایند.<sup>۲</sup> این سردرگمی موجب آثار سوئی برای جامعه و حاکمیت خواهد بود. بدین معنا که به امنیت حقوقی لطمه زده، موجب نابرابری اجتماعی می‌گردد. به نظر می‌رسد هر اندازه دسترسی به قوانین و نیز امکان فهم آن برای شهروندان بیشتر باشد، به همان مقدار تأمین امنیت اجتماعی سهل‌تر خواهد بود.<sup>۳</sup> وجود ابهام در قوانین موجب بی‌نظمی در اجرای آن شده و حاکمیت برای تمکین شهروندان از قانون مجبور به توسل به قوه قهریه می‌گردد و از این نظر هزینه سیاسی برای دولت ایجاد می‌نماید. در صورتی که شاید دلیل عدم تمکین ایشان، ابهام قوانین بوده، تعمّدی در میان نباشد.<sup>۴</sup>

برخی از اندیشمندان معتقدند در کشور مشکلی از نظر قوانین وجود ندارد و تنها مشکل بُعد اجرایی آن است.<sup>۵</sup> در صورتی که در هر دو حوزه هم در ارتباط با وجود قوانین کارآمد و کارشناسی شده و هم در اجرای این قوانین دچار معضل می‌باشیم که دلیل آن هم عدم حضور حقوقدانان مبرز در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس است که قلب قانون‌گذاری مجلس محسوب می‌گردد؛ زیرا بعضاً نمایندگان حقوقدان، عضو کمیسیون‌های دیگری در مجلس می‌شوند.<sup>۶</sup>

۱. رک: ماده ۵۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی.

۲. راسخ، محمد، *بنیاد نظری اصلاح نظام قانون‌گذاری*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۳۳.

۳. بکاربا، سزار، *رساله جرایم و مجازات‌ها*، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵، ص ۴۷.

۴. انصاری، باقر، *تنقیح قوانین و مقررات: تدبیری برای مبارزه با ابهام حقوقی*، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، سال ششم، ۱۳۸۶، شماره ۱۱، صص ۳۸ و ۴۱.

۵. زاهدی، محمد مهدی، مورخ ۱۳۹۸/۱/۷، قابل دسترسی در: <https://snn.ir/fa/news/751388>

۶. رحیمی جهان‌آبادی، جلیل، مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۷، قابل دسترسی در: <https://www.icana.ir/fa/news/326948>

قبل از انقلاب، برای داشتن یک نظام قانون‌گذاری قوی و متقن مطابق قانون اساسی مشروطیت، در کنار مجلس شورای ملی، مجلس سنا نیز وجود داشت که هر دو در امر قانون‌گذاری اقدام می‌نمودند. سناتورهای مجلس سنا باید شرایط خاصی را دارا می‌بودند که بر این اساس اعضای آن عموماً از میان نخست‌وزیران گذشته، وزراء، معاونین وزراء، قضات، استانداران، امرای بازنشسته ارتش و اساتید دانشگاه‌ها با داشتن حدود بیست سال سابقه و نیز اشخاصی که حداقل سابقه سه دوره نمایندگی مجلس شورای ملی را دارا بودند، منصوب و انتخاب می‌شدند.<sup>۱</sup> بدیهی است که خروجی مجلسی فاخر با چنین وزن علمی و تجربی قابل توجه، می‌تواند تأمین‌کننده مطالبات حداکثری یک جامعه اصیل و پویا باشد.

از آنجایی که در نظام کنونی مجلس، یک نماینده می‌بایست هم بر امور مربوط به حوزه انتخابیه خود متمرکز باشد و هم بر امور سیاسی و اجرایی کشور و هم بر امر قانون‌گذاری، لذا چنین مجلسی و با چنین ترکیبی از نمایندگان که بیشتر اوقاتشان صرف پیگیری امور مربوط به حوزه انتخابیه خود می‌گردد، فرصت تأمل در امر مهم قانون‌گذاری را نخواهند داشت. از طرف دیگر، به دلیل اینکه مجلس کنونی یک مجلس تخصصی محسوب نگردیده و نمایندگان فاقد سواد حقوقی مناسب می‌باشند،<sup>۲</sup> از این رو به نظر می‌رسد چنین مجلسی نخواهد توانست وظیفه خطیر قانون‌گذاری را به نحو مطلوب انجام دهد.

در این میان و در راستای کمک به قوام و استواری قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، نمایندگان حقوقدان و نیز قضاتی که به عنوان نماینده منتخب مردم در مجلس حضور داشتند، به منظور همفکری و ارتقای طرح‌ها و قوانین مجلس و کارآمدی بیشتر بعد قانون‌گذاری، جلسه‌ای را با معاون قوانین رئیس مجلس شورای اسلامی برگزار نمودند که ماحصل نشست مذکور این بود که به لحاظ کنترل بر طرح‌ها و لوایح مطرح شده در مجلس، ابتدائاً آنها از فیلتر معاونت قوانین مجلس بگذرد و سپس در صحن مجلس مطرح گردد.<sup>۳</sup> این تدبیر می‌تواند تا اندازه‌ای به تهیه و تدوین قوانین مناسب‌تر در ساختار نظام قانون‌گذاری کشور کمک نماید. همچنین ملاحظه می‌گردد

۱. شیخانی، محمد اسماعیل، **مجلس سنا؛ تضمین دیکتاتوری با نمایش دمکراسی**، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۶، قابل دسترسی در: <http://www.iichs.ir>  
 ۲. جنتی، احمد، ۱۳۹۷/۹/۲۹، قابل دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/97092914781>  
 ۳. رحیمی، علیرضا، ۱۳۹۷/۹/۲۸، قابل دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/97092814401>

که رئیس وقت قوه قضائیه در سال ۱۳۸۳ معاونت حقوقی و توسعه قضایی را تشکیل می‌دهد تا بر این اساس توسعه قضایی را با ایجاد ساختار مدیریتی مناسب، معنا و مفهومی نو بخشد. پیرو تأسیس این معاونت نوپا، شاهد تهیه و تدوین لوایح مناسب و متناسب با شرایط اجتماعی روز ایران هستیم، که از جمله آن می‌توان به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی مصوب ۱۳۹۴ و همچنین قانون پیشگیری از وقوع جرم در سال ۱۳۹۴ اشاره نمود که در این قوانین، ضمن توجه به بروز شدن قوانین کیفری و جزایی، در خصوص مسائل حقوق بشری نیز که همواره از سوی سازمان‌های بین‌المللی مورد انتقاد قرار می‌گرفتیم، پاسخی مناسب داده شد. بدین ترتیب در سایه اصلاحات اخیر قوانین، مفاهیم نو و جدیدی چون کیفرهای جایگزین حبس،<sup>۱</sup> میانجیگری و عدالت ترمیمی،<sup>۲</sup> کیفرزدایی،<sup>۳</sup> حقوق شهروندی و کرامت انسانی<sup>۴</sup> وارد گفتمان نهاد قضایی گردید.

بدین ترتیب، با عنایت به مطالب معنونه، به نظر می‌رسد به لحاظ اتقان بیشتر قوانین، چه از نظر شکلی و چه از حیث ماهیتی، وجود یک مجلس تخصصی در نظام تقنینی کشور بیش از پیش ضروری است. چنان که برخی صاحب نظران فقهی معتقدند که هم اکنون مجمع تشخیص مصلحت نظام مقدار مهمی از وظایف مجلس سنا در نظام‌های دو مجلسی را انجام می‌دهد.<sup>۵</sup> در عین حال، از آنجایی که در وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام، در اصل ۱۱۲ قانون اساسی و نیز برابر آیین‌نامه داخلی آن که در آخرین اصلاحاتی که در سال ۱۳۹۲ مورد بازنگری قرار گرفته است،<sup>۶</sup> هیچ اشاره‌ای به موضوع تصویب قوانین توسط این نهاد نشده است، لذا پیش‌بینی وجود یک ساختار تخصصی تقنینی به معنای حقیقی آن، یا اصلاح مقررات مربوط به نمایندگی مجلس شورای اسلامی و گنجانیدن شرط سنی حداقل چهار سال برای داوطلبین،<sup>۷</sup> چنان که در خصوص شرایط

۱. مواد ۶۳ الی ۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۲. ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

۳. ماده ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی و تعمیم قاعده‌ی درأ بر کلیه‌ی جرایم در راستای اعمال اصل کیفرزدایی می‌باشد.

۴. ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۳۹۶/۱۱/۱۹، قابل دسترسی در:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/392529>

۶. رک: پورتال مجمع تشخیص مصلحت نظام، قابل دسترسی در: [www.maslahat.ir](http://www.maslahat.ir)

۷. برابر ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ با اصلاحات بعدی در حال حاضر حداقل

سن برای قبول نمایندگی مجلس ۳۰ سال می‌باشد. رک: <https://www.shora-gc.ir>

گزینش قضات بدان اشاره گردید، نشان از سن کمال عقلی و کسب نمودن تجارب لازم دارد،  
ضروری به نظر می‌رسد.

## نتیجه‌گیری

آسیب‌هایی که یک نظام را مورد تهدید قرار می‌دهد، تنها منشأ خارجی و عوامل بیرونی ندارد، بلکه عملکرد نامطلوب عوامل داخلی که می‌تواند نتیجه عدم شفافیت قوانین و مقررات باشد، نیز تهدیدکننده محسوب می‌شود. از این رو، ضرورت خنثی نمودن این مخاطرات و تبدیل آن به یک فرصت برای رفع کاستی‌ها و اصلاح و به روز نمودن قوانین بر اساس آنچه مصلحت و نیاز جامعه اقتضا دارد، به عنوان هدف اصلی در تنقیح قوانین و مقررات، مورد توجه قرار می‌گیرد.

در مسیر رفع آسیب‌های پیش‌روی دادگستری به تدبیر مناسب در مقررات‌گزینش شخصیتی داوطلبین منصب قضاء و اصلاح آن، که گرت‌برداری از تست‌های روانشناسی غربی است، به عنوان هدف دیگر در این اصلاحات پرداخته شد و تصریح گردید که اصول روانشناسی کاربردی اعمال شده در روند این شیوه‌گزینشی، باید منطبق بر فرهنگ کشورمان باشد تا نتیجه‌ای مطلوب از آن حاصل گردد. ایضاً ملاحظه گردید که لحاظ نمودن دو عامل مهم تجربه حقوقی قبلی و نیز تناسب منطقی سن متقاضیان با جایگاه قضاء از حیث تأثیر مثبت کمال عقلی بر تصمیم‌گیری‌های قضایی، می‌تواند نقش بسزایی در خروجی نهاد قضایی از حیث تأمین مطالبات مردمی و دادگستری به معنای واقعی آن داشته باشد. دانایی و علم اشخاص مقدمه‌ای است بر توانایی ایشان. لذا بدیهی است فردی که فاقد معلومات متناسب با این جایگاه باشد، توانایی تصدی این مسند را نخواهد داشت و از این رو برای تأیید و تصدیق خویش ممکن است حتی متوسل به ابزارهای جدید حقوقی، آن هم در مسیر و شیوه‌ای نادرست شود که نتیجه این فرایند فاقد پشتوانه‌ی علمی، وهن آرای قضایی خواهد بود.

در این پژوهش، همچنین تأکید گردید که وجود قوانین ناکارآمد و عدم قابلیت اجرای آن، موجب پیدایش عارضه‌ای تحت عنوان قوانین متروک شده که این خود آفتی جدی برای نظام عدالت قضایی محسوب، و سبب عدم مشروعیت نهاد قانون‌گذاری می‌شود. زیرا قوانین بدون داشتن ضمانت اجرای مناسب به تدریج در بستر زمان معطل می‌مانند، بدون اینکه توسط متولیان کشور تصمیمی در مورد بود و نبود آنها اتخاذ گردد.

تراکم پرونده‌های قضایی نتیجه وجود قوانین ناکارآمد است. این کاستی گرچه به‌طور مستقیم مربوط به دادگستری نبوده، ضعف در سیستم قانون‌گذاری از حیث تورم قوانین خصوصاً در حوزه جزایی و جرم‌انگاری متنوع محسوب می‌شود، ولی در عین حال قوه قضائیه می‌تواند با تهیه لوایح

قانونی مناسب و علمی، اقدامی شایسته نسبت به جرم‌زدایی اساسی از مجموعه قوانینی که قابلیت اجرایی ندارند، به عمل آورد تا بدین وسیله حرمت نهاد قانون‌گذاری نیز با تصویب قوانین فاخر حفظ شود.

بر این اساس، این نتیجه حاصل گردید که وجود یک مجلس متخصص در کشور به همراه نمایندگانی که سواد حقوقی مناسب داشته باشند، به عنوان هدف سوم از اصلاح قوانین و مقررات، می‌تواند به تصویب قوانینی متقن و استوار کمک نماید. این مجلس می‌تواند در کنار مجلس شورای اسلامی، همانند آنچه در گذشته در ایران وجود داشت و یا با اصلاح قوانین مربوط به شرایط نمایندگی مجلس و با حضور متخصصین، فرهیختگان و بزرگانی که سال‌ها در حرفه خود تجربه علمی و عملی اندوخته‌اند، مبادرت به قانون‌گذاری نماید. بدیهی است، وجود چنین نهاد تقنینی در کشور و تصویب قوانینی متناسب با شرایط روز جامعه می‌تواند به عدل‌پروری در نظام دادگستری کمک نماید.

## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی

## کتاب

۱. بکاریا، سزار، *رساله‌ی جرایم و مجازات‌ها*، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵.
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۷۲.
۳. جعفری، مجتبی، *جامعه‌شناسی حقوق کیفری؛ رویکرد انتقادی به حقوق کیفری*، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۴. دلیر، حمید، *بایسته‌های پژوهش در حوزه قانون‌گذاری کیفری*، در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری، مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۵. راسخ، محمد، *بنیاد نظری اصلاح نظام قانون‌گذاری*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.
۶. مجتهدی، کریم، *درباره هگل و فلسفه او*، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۹.
۷. مطهری، مرتضی، *بیست گفتار*، چاپ بیستم، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری، ۱۳۸۳.
۸. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، *درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها*، در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری، مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۹. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، *قوه قضائیه در سنجه حکمرانی خوب*، دیپاچه در: آماده، غلامحسین، نقش رئیس قوه قضائیه در فرایند کیفری ایران، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۰. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، *گفتمان سیاست جنائی قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲*، در: الفت، نعمت اله (به کوشش)، حج اندیشه (هم افزایی فقه و



حقوق در تحقق عدالت و تعالی انسانی)، مجموعه مقالات یادنامه علمی مهاجر الی الله استاد شهید دکتر حاج ناصر قربان نیا، قم: انتشارات دانشگاه مفید، چاپ دوم، ۱۳۹۶.

۱۱. **نهج البلاغه حضرت علی (ع)**، ترجمه محمد دشتی، نامه ۵۳، تهران: انتشارات پیام عدالت، چاپ اول، ۱۳۹۰.

## مقاله

۱۲. انصاری، باقر، **تنقیح قوانین و مقررات: تدبیری برای مبارزه با ابهام حقوقی**، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، سال ششم، ۱۳۸۶، شماره ۱۱، صص ۳۱ تا ۶۷.
۱۳. بابائی، محمدعلی و میثم غلامی، **مهمترین جلوه‌های کیفرزدایی در قانون جدید مجازات اسلامی**، پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی، سال اول، ۱۳۹۱، شماره ۳، صص ۵۹ تا ۸۰.
۱۴. پورطباطبائی، هاشم، **سه عامل اصلی در برنامه تحول اساسی در دادگستری ایران**، مجله حقوق امروز، ۱۳۵۲، شماره ۲۸، صص ۱۰ تا ۱۵.
۱۵. حکمت، سعید، **لزوم تحول و تکامل در دادگستری**، مجله کانون وکلاء، ۱۳۴۷، شماره ۱۰۸، صص ۱۵۶ تا ۱۶۶.
۱۶. خزایی، منوچهر، **بررسی نظری و عملی تسریع آیین دادرسی کیفری**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶، شماره ۱۹، صص ۱۴۰ تا ۱۵۶.
۱۷. رستمی، محسن و پرویز ساورائی، **چالش‌های مهم در قراردادهای الکترونیک در حقوق ایران**، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۳۹۶، شماره ۳۱، صص ۱۳۱ تا ۱۵۱.
۱۸. طباطبائی، بهاء‌الدین، **در باره اصلاح دادگستری**، مجله حقوق امروز، ۱۳۴۲، شماره ۳ و ۴، صص ۵ تا ۱۲.
۱۹. مهدوی، ابراهیم، **طرق اصلاح دادگستری**، مجله کانون وکلاء، ۱۳۴۳، شماره ۹۲، صص ۶۳ تا ۵۴.

۲۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **تقریرات درس جامعه شناسی کیفری**، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه تهران پردیس قم، ۱۳۹۱، صص ۱ تا ۵۲.
۲۱. نوربها، رضا، **سیاست جنایی سرگردان**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۲، ۱۳۷۸، شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۱۰۳ تا ۱۲۸.

### منابع الکترونیک

۲۲. ارتفاع، مریم، **روانشناسی شخصیت: تعریف شخصیت از دیدگاه روانشناسی**، اداره کل زندانها و اقدامات تربیتی استان البرز، ۱۳۹۸، قابل دسترسی در: مقاله-تعریف-شخصیت-از-دیدگاه-روانشناسی/alborzprisons.ir/
۲۳. آشوری، محمد، **قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا در بوته آزمایش**، ژورنال حقوقی، سایت قوانین، معاونت آموزش دادگستری استان تهران، ۱۳۷۴، قابل دسترسی در: <http://www.ghavanin.ir/PaperDetail.asp?id=220>
۲۴. شیخانی، محمد اسماعیل، **مجلس سنا؛ تضمین دیکتاتوری با نمایش دمکراسی**، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۶، قابل دسترسی در: <http://www.iichs.ir/>

### ب) منابع عربی

۲۵. آمدی التمیمی، عبدالواحد بن محمد، **عُرر الحکم و دُرر الکلم**، قم: دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰.
۲۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه، **تفسیر نور الثقلین**، جلد ۱، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵.
۲۷. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، **الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه**، جلد ۳، بیروت: لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۰.
۲۸. **قرآن کریم**، تهران: انتشارات پیام عدالت، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، جلد ۲۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

### ج) منابع انگلیسی

#### Article

30. Oxford learner's Dictionaries, Available in:  
[www.oxfordlearnersdictionaries.com/](http://www.oxfordlearnersdictionaries.com/)